

تکلیف بیمه‌ای کارفرما در قبال کار گر

مطابق ماده ۳۶ قانون تأمین اجتماعی، کارفرما مسئول پرداخت حق بیمه سهم خود و بیمه‌شده به تأمین اجتماعی است و مکلف است موقع پرداخت مزد یا حقوق و مزایا، سهم بیمه‌شده و خود را پرداخت کند. در صورتی‌که کارفرما از کسر حق بیمه سهم بیمه‌شده خودداری کند، شخصا مسئول پرداخت آن خواهد بود و هرگونه تاخیر در پرداخت حق بیمه رافع مسئولیت و تعهدات سازمان تأمین اجتماعی در مقابل بیمه‌شده نخواهد بود. ماده ۳۹ این قانون نیز کارفرمایان را موظف کرده حق بیمه مربوط به هرماه را حداکثر تا آخرین روز ماه بعد، پرداخت کنند.

یکشنبه ● ۹ مهر ۱۳۹۶ ● شماره صد و بیست و دو

۰ ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹

تاب‌آوری جامعه بانظام چندلایه‌تأمین اجتماعی



● یادداشت ●

● علی حیدری ●

رییس‌جمهور محترم در دور جدید ریاست‌جمهوری با اقدامی بدیع، ضمانت احکام وزیران دولت دوازدهم را ابلاغ کرد. ضمیمه حکم‌وزیر محترم تعاون، کار و رفاه اجتماعی شامل یک مقدمه، هشت اولویت عمومی و ۱۰ اولویت تخصصی است. در ارتباط با وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی این ضمیمه حکم از آنجا اهمیت می‌یابد که لایحه‌تعیین شرح وظایف این وزارتخانه که‌در سال ۹۱ از ادغام سه‌وزارتخانه «تعاون»، «کار و امور اجتماعی» و «رفاه و تأمین اجتماعی» تشکیل شد، از پنج سال پیش تاکنون به مجلس شورای اسلامی ارائه، ولیکن هنوز به‌تصویب نرسیده است و بالطبع ضمیمه حکم‌وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی که با امضای رییس‌جمهور به‌وی ابلاغ شده، می‌تواند بیانگر نگاه رییس‌جمهور و دولت دوازدهم به این وزارتخانه باشد و راه را بر هرگونه تفسیر به‌رای از سخنان رییس‌جمهور محترم ببندد.

در اولویت‌های عمومی ضمیمه حکم وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌مقولات اساسی نظیر: لزوم ارتقای سلامت اداری، شفافیت مالی و اطلاعاتی، صیانت از بیت المال، قانونمندی، شایسته‌سالاری، مدیریت تعارض منافع، رعایت حقوق شهروندی، حفاظت از محیط‌زیست، رفع امتیازات خاص و انحصارات، ایجاد فضای رقابتی، دولت الکترونیک و به‌کارگیری زنان و جوانان و اقلیت‌های قومی و مذهبی در مناصب پرداخته شده که برای تمامی وزرا مشترک است. و اما اولویت‌های تخصصی ده‌گانه حکم‌وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی عبارتند از: ۱- اجرای سیاست‌های فعال بازار کار، مشوق‌های بیمه‌ای، ارتقای مهارت و تمرکز بر قابلیت‌های منطقه‌ای در رسته‌های کسب‌و کار متناسب برای ایجاد اشتغال‌های انبوه و اجرای برنامه‌های اشتغال عمومی به‌عنوان مهم‌ترین وظیفه وزارتخانه. ۲- اصلاح وضعیت مالی صندوق‌های بازنشستگی درجهت تقویت خودتکایی و کاهش اتکا به بودجه عمومی از طریق اعمال اصلاحات ساختاری، تغییر در نظام بنگاهداری و ترکیب سرمایه‌گذاری‌ها و اصلاحات در حکمرانی صندوق‌ها. ۳- ارتقای شفافیت درآمدها، هزینه‌ها، سرمایه‌گذاری‌ها و سایر فعالیت‌های سازمان تأمین اجتماعی. ۴- توجه به معیشت کارگران و افزایش توانمندی آنها. ۵- ساماندهی بخش تعاون با تاکید بر کاهش ناکارآمدی در بنگاه‌های تعاونی، ادغام تعاونی‌ها و ایجاد تعاونی‌های فراگیر منطقه‌ای و ملی با تکبیر اقتصاد صرفه‌مقیاس و بهره‌گیری از تجارب تعاونی‌های بزرگ و موفق بین المللی. ۶- اصلاح عملکرد بیمه‌های درمان در مسیر هدفمند کردن، کاهش هزینه‌ها و نقش آفرینی بیمه‌ها در زمینه ارتقای بهداشت و پیشگیری و ممانعت از تحمیل هزینه‌های درمان نامتعارف بر شهروندان. ۷- اجرای الگوی ارائه‌شده در برنامه و خط مشی دولت دوازدهم برای رفع فقر مطلق و کاهش آسیب‌های اجتماعی. ۸- اجرای نظام تأمین اجتماعی چندلایه. ۹- توجه ویژه در ارائه خدمات به معلولین و کودکان بی سرپرست یا بدسرپرست. ۱۰- واگذاری نگاه‌های اقتصادی به بخش خصوصی.

در اولویت‌های تخصصی ضمیمه حکم وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی به‌مقولات فقر و محرومیت، آسیب‌های اجتماعی، کار و اشتغال، تعاون و نظام چندلایه تأمین اجتماعی پرداخته شده ولیکن وزن اولویت‌های مرتبط با حوزه رفاه اجتماعی و به‌ویژه مرتبط با صندوق‌ها و سازمان‌های بیمه‌گر اجتماعی و وزن بخش اقتصادی آنها در قیاس با سایر ابعاد مرتبط با حوزه عمل وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی بیشتر است. بدین ترتیب که از بین ۱۰ اولویت تخصصی، یک اولویت مربوط به بخش تعاون، دو اولویت مربوط به بخش کار و هفت اولویت مربوط به بخش رفاه اجتماعی است و در بخش رفاه اجتماعی نیز صرف‌نظر از بند ۸؛ یعنی «اجرای نظام تأمین اجتماعی چندلایه» که کلان است، یک اولویت مربوط به بیمه‌های درمان، سه اولویت مربوط به بیمه‌های بازنشستگی و دو اولویت مربوط به امور حمایتی و در بخش بیمه‌های بازنشستگی نگاه غالب در اولویت‌ها مربوط به بخش سرمایه‌گذاری و اقتصادی آنها است.

در این میان بایستی بندهای ۱، ۴، ۵، ۷ و ۸ که ناظر بر بسط اشتغال عمومی، توجه به معیشت کارگران و ارتقای توانمندی، رفع فقر مطلق و کاهش

آسیب‌های اجتماعی و شکل‌دهی نظام تأمین اجتماعی چندلایه است را گر اینگاه و مرکز نقل اولویت‌های وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی دانست. متأسفانه هفته گذشته شاهد بروز مشکلاتی برای کارگران شرکت‌های هپکو و آذراب اراک بودیم. کارگرانی که قربانی خصوصی‌سازی غیراصولی در دولت قبل شدند و اگر کمک‌ها و مساعدت‌های سازمان تأمین اجتماعی نبود، قطعاً این بحران زودتر از اینها ظهور و بروز می‌یافت. جالب است که عده‌ای از مسولان سابق و لاحق که وضع امروز اقتصاد و صنعت کشور ما حاصل سوءتدبیر، بی‌کفایتی و ... آنها است، باز هم تیغ تیز انتقاد خود را نصیب سازمان

بی‌تردید سازوکار بیمه‌های اجتماعی

یکی از ابزارهای موثر و کارآمد برای «تاب‌آوری جامعه» است و سازمان تأمین اجتماعی در این میان نقش بسزایی

در زمینه «تاب‌آوری اجتماعی» داشته و دارد



تأمین اجتماعی می‌کنند. عده‌ای که در گذشته بر اثر رویکردهای سیاسی، شخصی، باندي، جناحی و تحت فشار یا با اخذ رشوه و امتیاز نسبت به صدور پروانه صنعتی، مجوز شهرک صنعتی، مجوز واردات، اعطای تسهیلات بانکی و ... اقدام یا مبادرت به خصوصی‌سازی غیراصولی و اتخاذ سیاست‌های تعرفه‌ای غلط کرده و صنعت و اقتصاد کشور را دچار چنین مشکلاتی کرده‌اند. حال اشک تمساح برای صنعت و اقتصاد می‌ریزند و قوانین کار و تأمین اجتماعی را مقصر قلمداد می‌کنند. البته اگر به واقع نوسازی و بازسازی صنایع بخواهد اتفاق بیافتد، خصوصی‌سازی اصولی انجام شود، کارگران دارای مشاغل سخت و زیان‌آور تحت حمایت قرار گیرند و کارخانجات دارای عوامل زیان‌آوری، تعطیل شده یا اصلاح تکنولوژی بدهند قطعاً نقش سازمان تأمین اجتماعی در حمایت از نیروی کار تحقق می‌یابد و این امر وظیفه ذاتی سازمان تأمین اجتماعی است ولی مگر می‌شود اجازه داد یک کارگاه و کارخانه دارای عوامل زیان‌آور فعالیت کند و سپس کارگران لطمه‌دیده از این عوامل زیان‌آور را بازنشسته کرد؟! مگر می‌شود به اسم بازسازی و نوسازی صنایع اجازه داد که کارگران راحت‌پوشش بازنشستگی و بیمه بیکاری قرار بدهند (اخراج محترمانه) و سپس زمین‌های کارخانه را صرف کنند و بفروشند؟! مگر می‌شود کارخانجات و بنگاه‌های اقتصادی را خصوصی‌سازی کرد بدون اخذ تضمین حفظ اشتغال موجود و بدون رصد، پایش و پیمایش کارفرمای جدید برای اینکه اگر توسعه و سرمایه‌گذاری جدید انجام نمی‌دهد، حداقل از تسهیلات دریافتی و مساعدت‌ها و امتیازات و انحصارات سوءاستفاده نکند؟! صرف‌نظر از اینکه بیشترین حجم خصوصی‌سازی در دولت قبل انجام شد بدون اینکه بخشی از عواید حاصل از آن صرف تقویت صندوق‌های بیمه‌گر اجتماعی مربوطه شود. علی‌رغم اینکه در سیاست‌های



کتنه‌رو | ۰۵

کلی اصل ۴۴ به‌صراحت بر این موضوع تأکید شده است. و دست آخر هم باز همان عده سازمان تأمین اجتماعی را مقصر دانسته و بی‌کفایتی، سوءتدبیر و سوءعمل خودشان به‌عنوان متولیان بخش‌های اقتصادی و صنعتی ادوار گذشته را نادیده می‌گیرند و جالب اینکه علی‌رغم تجارب علمی و عملی دنیا که غالباً وقتی می‌خواهند به‌هر دلیل به تقلیل و ترقیق قانون کار به نفع کارفرما عمل کنند، نظام تأمین اجتماعی و بیمه‌های اجتماعی را تقویت می‌کنند و سپس به جراحی اقتصادی و اداری می‌پردازند، در ایران متأسفانه عده‌ای که وضعیت صنعت و اقتصاد امروز کشور ما حاصل سوءعمل و سوءتدبیر آنها است، به‌طور هم‌زمان و توأمان درجهت تقلیل و ترقیق قانون کار و قانون تأمین اجتماعی عمل می‌کنند. بی‌تردید سازوکار بیمه‌های اجتماعی یکی از ابزارهای موثر و کارآمد برای «تاب‌آوری جامعه» است و سازمان تأمین اجتماعی در این میان نقش بسزایی در زمینه «تاب‌آوری اجتماعی» داشته و دارد و اتفاقاً برخی متولیان صنعت و اقتصاد کشور که طی این سال‌ها با سوءاستفاده از این نقش سازمان، بسیاری از آثار و تبعات منفی ناشی از کارکرد و عملکرد خود را پوشش داده‌اند، اکنون که در شرایط سالمندی و بازنشستگی قرار دارند و رحل اقامت به‌تشکل‌های صنفی و دستگاه‌های غیرحاکمیتی افکنده‌اند، بیشترین لطمات را به همین سازمان تأمین اجتماعی وارد می‌سازند. بی‌شک خصوصی‌سازی غیراصولی و شبه‌ناک، صدور پروانه صنعتی بدون مطالعات دقیق فنی - اقتصادی و عدم نظارت بر نحوه عمل دارندگان مجوز واحد صنعتی، ایجاد شرکت‌های صنعتی فاقد توجیه براساس ملاحظات محلی، سیاسی، باندي و شخصی، اعطای تسهیلات ارزان‌قیمت تکلیفی برای توسعه صنعتی بدون رصد، پایش و پیمایش نحوه هزینه‌کرد آن، برقراری معافیت‌های مالیاتی و بیمه‌ای برای توسعه صنعتی و اشتغال‌زایی بدون نظارت موثر، صدور مجوز واردات و عدم جلوگیری از قاچاق افسارگریخته، سوءاستفاده از قوانین بازنشستگی زودرس و بیمه بیکاری برای اخراج نیروی انسانی، عدم جلوگیری از فعالیت کارگاه‌های پنهان، غیررسمی و زیرزمینی، عدم جلوگیری از فعالیت‌های دارای عوامل زیان‌آور، عدم پیشگیری از بروز امراض شغلی و ... تنها شمه‌ای از بی‌تدبیری و بی‌کفایتی برخی متولیان حوزه صنعت و اقتصاد کشور است که دود آن، به چشم کارگران در وهله اول و به چشم سازمان تأمین اجتماعی در وهله دوم رفته و می‌رود و در چنین شرایطی جای تأسف است که «جای متهم و شاکی عوض می‌شود» و همان متولیان بی‌کفایت، بر سازمان تأمین اجتماعی می‌تازند. به‌هر تقدیر به‌نظر می‌رسد اولویت‌های تخصصی تعیین شده از سوی رییس‌جمهور محترم به‌ویژه شکل‌گیری نظام چندلایه تأمین اجتماعی می‌تواند در صورت تحقق به ارتقای «تاب‌آوری جامعه» بیانجامد. امری که خوشبختانه مقدمات، لوازم و پیش‌نیازهای آن در طی دولت یازدهم توسط وزارت تعاون، کار و رفاه اجتماعی فراهم شده است!

عضو و نایب رییس هیئت مدیره سازمان تأمین اجتماعی
این یادداشت بازنشر مطلبی است
که در شماره ۲۹۷۲ روزنامه «شرق» به چاپ رسیده است

چشم‌انداز بین‌المللی بسترهای حمایت‌های اجتماعی

توسعه اجتماعی ۲۰۳۰ خود، در سندی که در سال ۲۰۱۵ به توافق رسیده است، مواردی را برای وسعت بخشیدن به چشم‌انداز توسعه و تحقق اهداف توسعه پایدار مطرح کرده است. از جمله اینکه، از سیاست‌گذاران عرصه اجتماعی خواسته شده با افزایش آگاهی بتوانند مسائل مهمی چون «تأمالوست اساسی» را با مولفه‌ها یا راه‌حل‌های محکم اجتماعی تحقق بخشند. این مولفه‌ها شامل حذف نابرابری‌ها، فقر، مشاغل پرخطر، ایجاد حمایت‌های اجتماعی مشارکتی، ایجاد رشد حداکثری، دسترسی همگانی و باکیفیت به خدمات اجتماعی، شهری‌سازی با توجه به جذب اکثریت می‌شوند. سازمان ملل برای کاهش نابرابری‌ها، به ایجاد چارچوب‌های محکم و جامع سیاست‌های اجتماعی ملی، با توجه به ابعاد متفاوت نابرابری اشاره می‌کند که در آن رویکردهای منسجمی برای رویارویی با نابرابری در نظر گرفته شده است. از دیگر پیشنهاد‌های این سازمان کاهش مشاغل غیررسمی است. برای احقاق این هدف، کشورها باید به تحلیلی از مسئله اشتغال غیررسمی

دست‌یابند که به‌شناسایی معیارهایی در سطح ملی می‌انجامد. سپس مدارک و شواهد موجود را با معیارهایی که به رسمی کردن مشاغل کمک می‌کنند، ترکیب کنند و در نهایت، به تحلیل همراهی حمایت‌های اجتماعی که درآمدا نیستند، بپردازند. پیشنهاد بعدی «ادغام دوبرابر در زمان» نام دارد. این راهکار به افزایش اشتغال و ادغام سازنده افراد در سن کار (کار مناسب) با دسترسی به تأمین اجتماعی، از جمله درمان و بازنشستگی، اشاره دارد. در عین حال، هم‌زمان به بالا بردن ادغام اجتماعی کل جمعیت از طریق اطمینان به دسترسی خدمات اجتماعی باکیفیت (مانند درمان، آموزش، آب و بهداشت، و...) اهمیت می‌دهند، نه ضمانت ایجاد حداقل سطح رفاه برای همه که در بسترهای حمایت اجتماعی مطرح شده است. مولفه نهایی که برای ایجاد تأمین اجتماعی پایدار توسط سازمان ملل مطرح می‌شود، ایجاد سیستم‌های حمایت اجتماعی همگانی است که اطمینان می‌دهند مردم می‌توانند از برنامه‌های خاص کاهش فقر خارج شوند؛ اما هیچ‌گاه حق‌شان را نسبت به سیستم‌های حمایت اجتماعی از دست نمی‌دهند. متعاقباً، شورای توسعه اجتماعی سازمان ملل می‌تواند کارکرد حمایت اجتماعی را با تمرکز بر تاثیر سرمایه‌گذاری بر بخش تأمین اجتماعی افزایش دهد.

● یادداشت ●

● رضا دهقان زاده ●

لزوم نگرش اجتماعی به مسائل رفاهی

مفهوم رفاه چیست؟ برای رسیدن به چنین مفهومی مناسب‌ترین رویکرد این است که سیاست اجتماعی را به‌مثابه روندی تعریف کنیم که از طریق آن رفاه یا بهزیستی، به‌حداکثر و عدم رفاه به‌حداقل می‌رسد؛ بنابراین تعریف دوباره از رفاه و عدم رفاه، برای سیاست اجتماعی همان نقشی را بازی می‌کند که تعبیر دوست و دشمن برای سیاست دارد. آنچه بیان شد به‌عنوان تعریفی کوتاه، روایت شد؛ اما روشن است که این سوال باقی می‌ماند که از رفاه چه معنایی مدنظر داریم. جامعه‌ای را می‌توانیم توسعه‌یافته محسوب کنیم که امکانات حداقلی مناسبی در حوزه‌های مسکن، آموزش، تغذیه، بهداشت و درمان را برای مردم خود فراهم کرده باشد.

اینجاست که به‌معنای عدالت اجتماعی، اعتماد اجتماعی، رفاه اجتماعی و دیگر ابعاد اجتماعی مواجه می‌شویم، رژیم‌های سوسیالیستی و کمونیستی با ادعای داشتن بعد عمومی و اجتماعی رفاه به ابعاد اقتصادی و انگیزشی توجه کمتر نشان داده و شکست‌هایی که مدعیان این نظریه‌ها تجربه کردند، گواه به واقعیت ننشستن این قسم از سیاست‌های اجتماعی است. از طرف دیگر نیز راست‌های افراطی که پایبندی به آزادی بازار با حداقل دخالت دولت در سیاست‌های اجتماعی را اساس راه خود قرار داده‌اند و دشمنی با دولت رفاه از پیش‌زمینه‌های کاری آنهاست نیز شاید در مسائل رشد اقتصادی به‌نتایجی دست یافته باشند لیکن در توسعه همگون نتوانستند عرض‌اندام کنند، راست‌های رادیکال، اعتقاد به دخالت‌های اجتماعی دولت و سازمان‌های برنامه‌ریز رفاهی ندارند و معتقدند که بازار بهترین عامل تعادل اقتصادی است، این دو طیف افراط و تفریط سیاست‌های اجتماعی است و دو طیفی که در واقعیت امر نتوانستند به نتایج انسانی با مد نظر قرار گرفتن ابعاد اقتصادی آن دست یابند. حال در این گوناگونی سیاست‌های اجتماعی وظیفه برنامه‌ریزان سازمان تأمین اجتماعی در یک جمع‌بندی کلی به دو بخش اساسی قابل تفکیک است: برنامه‌ریزی‌های بیمه‌ای و تجاری، و برنامه‌ریزی‌های اجتماعی. در بحث برنامه‌ریزی‌های بیمه‌ای و تجاری موضوع بین‌نسل بودن این سازمان بیمه‌گر اجتماعی مطرح می‌شود. لیکن در خصوص برنامه‌ریزی‌های اجتماعی توجه به ایدئولوژی‌های رفاهی ازجمله نظریات سیاست‌های اجتماعی راست‌های افراطی، محافظه‌کاران، سوسیال دمکرات‌ها (نمونه‌های اسکاندیناوی) و سوسیالیست‌ها و استفاده از پهنه از مجموعه نظرات این ایدئولوژی‌های می‌تواند اساس کار این سازمان بیمه‌گر عظیم باشد. نمونه برنامه‌ریزی‌های اجتماعی که در عرصه کلان و سیاسی مولفه اصلی تعیین شد، سیاست‌های دولت رفاه حزب کارگر انگلستان است. امروزه خطوطی رفاهی، می‌تواند به‌تنهایی عامل پیروزی یا شکست حزب و سیاستی باشد لیکن در دنیای کنونی توجه مردم بیشتر روی سیاست‌های اجتماعی متمرکز است؛ اما در شرایط کنونی کشور ما که موضع‌گیری‌های سیاسی در برنامه‌ریزی‌ها و قوانین اجتماعی تأثیرگذار است، می‌توان با یک سیاست اجتماعی قوی و منسجم، سیاستمداران حال و آینده را قانع کرد که بعدها موضع‌گیری‌های اجتماعی آنها است که سرنوشت سیاسی‌شان را تعیین می‌کند. خواه قبول کنیم یا نکنیم در روند انتقال ارزش‌های هر جامعه‌ای از نسلی به‌نسل دیگر، تفاوت در نگرش و تصمیم‌گیری‌ها نیز مشهود خواهد بود. به‌گونه‌ای که هم‌اکنون یکی از دغدغه‌های اصلی مردم ما، مسائل رفاهی آنهاست و روزبه‌روز این امر پررنگ‌تر شده و کار برنامه‌ریزان امر را جهت اتخاذ تصمیم سخت‌تر می‌کند. توجه به موضوعات و مسائل اجتماعی جدید جامعه ازجمله مسئله پیری، ریسک‌های جدید و الزام به‌توجه و برنامه‌ریزی از هم‌اکنون برای این قشر تأثیرگذار در آینده جامعه، مسئله‌ای غیرقابل چشم‌پوشی به‌نظر می‌رسد.

دانشجوی کارشناسی ارشد

رفاه اجتماعی دانشگاه علامه طباطبائی